فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و دوم (بهار ۱۴۰۴)

تاثیر روش های آموزش خلاقانه و بر انگیزش و مشارکت دانش آموزان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۳/۰۲)

فریبا ذبیحی فرد شهین احمدی فر فاطمه کرانی

چکیده

انگیزش و مشارکت دو شاخص کلیدی در کیفیت یادگیری و پایداری آن در مدرسه محسوب می‌شوند و پژوهش‌های آموزشی نشان می‌دهند که صرف انتقال محتوا، بدون فعال‌سازی ذهن و هیجان یادگیرنده، به یادگیری سطحی و ناپایدار منتهی می‌شود. در سال‌های اخیر، روش‌های آموزش خلاقانه به عنوان رویکردی مبتنی بر یادگیری فعال، مسئله‌محور و معناگرا مطرح شده‌اند که می‌توانند هم نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان را پاسخ دهند و هم مشارکت شناختی، رفتاری و عاطفی آنان را افزایش دهند. این مقاله با رویکرد مروری و تحلیلی، سازوکارهای اثرگذاری آموزش خلاقانه بر انگیزش درونی و بیرونی، خودکارآمدی، ارزش ادراک‌شده تکلیف و احساس تعلق را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که استفاده هدفمند از راهبردهایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، کاوشگری هدایت‌شده، بازی‌وارسازی، داستان‌گویی آموزشی، کار گروهی ساخت‌یافته و بهره‌گیری خلاق از فناوری، می‌تواند بهبود معناداری در مشارکت کلاسی، استمرار تلاش، تنظیم‌گری یادگیری و کیفیت تعاملات آموزشی ایجاد کند. در پایان، بر اساس مبانی نظری و شواهد پژوهشی، مجموعه‌ای از اصول اجرایی برای طراحی تدریس خلاقانه در کلاس‌های واقعی و نیز پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری مدرسه و توانمندسازی معلمان ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش خلاقانه، انگیزش تحصیلی، مشارکت دانش‌آموز، یادگیری فعال، خودتعیین‌گری، یادگیری مبتنی بر پروژه

مقدمه

در دنیای امروز، آموزش تنها به انتقال محفوظات محدود نمی‌شود، بلکه هدف اصلی آن پرورش توانایی‌های فکری، اجتماعی و مهارتی دانش‌آموزان است. با این حال، یکی از مشکلات رایج در کلاس‌های درس، کاهش انگیزش تحصیلی و کم‌رنگ شدن مشارکت فعال دانش‌آموزان است؛ مسئله‌ای که می‌تواند موجب افت یادگیری، بی‌علاقگی به درس و کاهش عملکرد تحصیلی شود. در بسیاری از موارد، استفاده از روش‌های تدریس سنتی و یکنواخت، مانند ارائه مطالب به صورت سخنرانی و حفظ‌محور، فرصت تعامل، پرسشگری و تجربه یادگیری عمیق را از دانش‌آموزان می‌گیرد و آنان را به یادگیرندگانی منفعل تبدیل می‌کند.

در مقابل، روش‌های آموزش خلاقانه با ایجاد تنوع و جذابیت در فرایند یاددهی–یادگیری، می‌توانند نقش مهمی در افزایش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان داشته باشند. این روش‌ها شامل رویکردهایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، بازی های آموزشی، کار گروهی، بحث و گفت‌وگو، داستان‌گویی، استفاده از فناوری و فعالیت‌های عملی است. آموزش خلاقانه معمولاً بر محور فعال بودن دانش‌آموز، درگیر شدن ذهنی و عاطفی، و ارتباط دادن محتوا با زندگی واقعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین دانش‌آموز احساس می‌کند یادگیری برای او معنا دارد و همین موضوع می‌تواند انگیزش درونی او را تقویت کند.

از سوی دیگر، مشارکت دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های مهم کیفیت آموزشی است و می‌تواند در قالب توجه در کلاس، تعامل با معلم و همکلاسی‌ها، انجام فعالیت‌ها، پرسشگری و همکاری در کارهای گروهی نمود پیدا کند. روش‌های خلاقانه با فراهم کردن فرصت انتخاب، بیان ایده‌ها و تجربه موفقیت، باعث افزایش اعتمادبه‌نفس و احساس خودکارآمدی شده و زمینه مشارکت بیشتر را فراهم می‌سازد. از این رو، بررسی تأثیر روش‌های آموزش خلاقانه بر انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند راهکارهای مؤثری برای بهبود کیفیت یادگیری و پویایی کلاس‌های درس ارائه دهد.

بخش اول: کلیات و طرح مسئله

بند اول: بیان مسئله

مدرسه در کنار انتقال دانش، مسئول پرورش میل به یادگیری و توان مشارکت مؤثر دانش‌آموز در فرایند یادگیری است. با این حال، یکی از چالش‌های رایج در کلاس‌های درس، کاهش انگیزش تحصیلی، افت مشارکت و افزایش رفتارهای منفعلانه است. در چنین شرایطی، حتی اگر محتوا از نظر علمی دقیق و کامل باشد، دانش‌آموز در نقش دریافت‌کننده منفعل باقی می‌ماند و یادگیری به سطح حفظیات کوتاه‌مدت یا انجام تکلیف برای نمره محدود می‌شود. پژوهش‌های روان‌شناسی تربیتی بر این نکته تأکید می‌کنند که انگیزش و مشارکت پیش‌نیازهای مؤثر یادگیری‌اند و کیفیت یادگیری تا حد زیادی به میزان درگیری شناختی و عاطفی فراگیر وابسته است.

روش‌های آموزش خلاقانه، با تمرکز بر کنجکاوی، تولید ایده، حل مسئله، تجربه‌ورزی، گفت‌وگو و انتخاب‌پذیری، می‌توانند کلاس درس را از حالت یک‌سویه و معلم‌محور به محیطی پویا تبدیل کنند. در این رویکرد، دانش‌آموز نه فقط شنونده، بلکه طراح، کاوشگر و همکار یادگیری است. از منظر نظریه خودتعیین‌گری، زمانی که یادگیرنده احساس کند در یادگیری اختیار دارد، توانمند است و با معلم و همکلاسی‌ها رابطه حمایتی دارد، انگیزش درونی او افزایش می‌یابد و مشارکت پایدارتر می‌شود. بنابراین پرسش اصلی این مقاله آن است که آموزش خلاقانه چگونه و از چه مسیرهایی می‌تواند انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان را تقویت کند.

بند دوم: اهمیت و ضرورت

تقویت انگیزش و مشارکت فقط یک هدف آموزشی نیست، بلکه پیامدهای بلندمدت اجتماعی و فردی دارد. مشارکت مؤثر در کلاس به رشد مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی،

همکاری و مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند و انگیزش بالا با پشتکار، تاب‌آوری و احساس معنا در تحصیل پیوند دارد. افزون بر آن، اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تربیت تمام‌ساحتی، یادگیری فعال و نقش‌آفرینی دانش‌آموز در فرایند یاددهی یادگیری تأکید دارند. بنابراین پرداختن علمی به آموزش خلاقانه و نسبت آن با انگیزش و مشارکت، هم از منظر نظری و هم از منظر اجرایی ضروری است.

بند سوم: اهداف مقاله

۱ـ تبیین مفهومی آموزش خلاقانه و تمایز آن از تدریس صرفاً متنوع یا سرگرم‌کننده

۲ـ تحلیل سازوکارهای روان‌شناختی اثرگذاری روش‌های خلاقانه بر انگیزش تحصیلی

۳ـ توضیح ابعاد مشارکت دانش‌آموز و ارتباط آن با طراحی آموزشی

۴ـ ارائه اصول و راهبردهای اجرایی برای معلمان و مدیران مدارس در جهت افزایش انگیزش و مشارکت

بند چهارم: پرسش‌های محوری

۱ـ آموزش خلاقانه از چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود و چه ویژگی‌هایی دارد

۲ـ کدام نظریه‌های انگیزش می‌توانند اثر آموزش خلاقانه را توضیح دهند

۳ـ مشارکت دانش‌آموز چگونه تعریف می‌شود و چگونه می‌توان آن را در کلاس تقویت کرد

۴ـ چه راهبردهایی برای پیاده‌سازی تدریس خلاقانه در شرایط واقعی مدرسه پیشنهاد می‌شود.

بخش دوم: مبانی نظری و مفهومی

بند اول: مفهوم آموزش خلاقانه

آموزش خلاقانه به معنای استفاده سطحی از فعالیت‌های متنوع یا صرفاً جذاب کردن کلاس نیست. خلاقیت آموزشی زمانی رخ می‌دهد که طراحی تدریس بتواند یادگیری عمیق را از طریق مسئله، معنا، تجربه و تولید دانش توسط دانش‌آموز فعال کند. در ادبیات تربیتی، تدریس خلاقانه معمولاً با ویژگی‌هایی مانند طرح پرسش‌های واگرا، ایجاد موقعیت‌های مسئله‌محور، فرصت انتخاب، پیوند محتوا با زندگی واقعی، تشویق به فرضیه‌سازی، گفت‌وگوی سازنده و پذیرش خطا به عنوان بخشی از یادگیری معرفی می‌شود. در این نگاه، معلم نقش تسهیل‌گر و طراح محیط یادگیری را دارد و دانش‌آموز به جای تقلید، به فهم و ساخت معنا می‌رسد.

از منظر نظریه‌های شناختی و سازنده‌گرایی، یادگیری زمانی پایدار می‌شود که دانش‌آموز در تعامل با مسئله و محیط، دانش را بازسازی کند. ویگوتسکی با تأکید بر نقش تعامل اجتماعی و زبان در رشد شناختی، نشان می‌دهد که یادگیری در بستر ارتباط و با هدایت مناسب امکان‌پذیر است. برونر نیز بر یادگیری اکتشافی و سازمان‌دهی مفاهیم توسط یادگیرنده تأکید دارد. بنابراین بسیاری از روش‌های آموزش خلاقانه ریشه در سازنده‌گرایی اجتماعی و شناختی دارند.

بند دوم: انگیزش تحصیلی و نظریه‌های تبیینی

انگیزش تحصیلی نیرویی است که آغاز، جهت و تداوم رفتارهای یادگیری را تعیین می‌کند. در تبیین انگیزش، چند چارچوب نظری اهمیت ویژه دارند.

نخست نظریه خودتعیین‌گری که توسط رایان و دسی مطرح شده است. بر اساس این نظریه، سه نیاز روان‌شناختی بنیادی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط، پایه‌های

انگیزش درونی‌اند. هرچه محیط کلاس این نیازها را بیشتر حمایت کند، یادگیرنده با علاقه و معنا به فعالیت می‌پردازد و مشارکت او پایدارتر می‌شود.

دوم نظریه انتظار ارزش که بیان می‌کند دانش‌آموز زمانی تلاش می‌کند که هم انتظار موفقیت داشته باشد و هم فعالیت را ارزشمند بداند. اگر آموزش خلاقانه بتواند تجربه موفقیت تدریجی ایجاد کند و ارزش کاربردی یا شخصی محتوا را نشان دهد، انگیزش افزایش می‌یابد.

سوم مفهوم خودکارآمدی در نظریه شناختی اجتماعی بندورا که بر باور فرد نسبت به توانایی انجام تکلیف تأکید دارد. روش‌های خلاقانه اگر با بازخورد سازنده، هدف‌گذاری قابل دسترس و فرصت تمرین همراه شوند، خودکارآمدی را تقویت می‌کنند و این امر با افزایش تلاش و پایداری مرتبط است.

چهارم اهداف پیشرفت که به جهت‌گیری‌های یادگیری یا عملکرد اشاره دارد. کلاس‌های خلاقانه معمولاً با تأکید بر رشد، فرایند و یادگیری عمیق، جهت‌گیری هدف یادگیری را تقویت می‌کنند و در نتیجه اضطراب و ترس از خطا کاهش می‌یابد.

بند سوم: مشارکت دانش‌آموز و ابعاد آن

مشارکت دانش‌آموز صرفاً حضور فیزیکی یا پاسخ دادن به چند سؤال نیست. در پژوهش‌های آموزشی، مشارکت معمولاً در سه بُعد اصلی توصیف می‌شود.

بُعد رفتاری شامل حضور منظم، توجه، انجام تکالیف، مشارکت در بحث و رعایت قواعد کلاس است.

بُعد شناختی شامل تلاش ذهنی، استفاده از راهبردهای یادگیری، پرسش‌گری، حل مسئله و تنظیم‌گری یادگیری است.

بُعد عاطفی شامل علاقه، احساس تعلق، هیجان‌های مثبت نسبت به کلاس و رابطه حمایتی با معلم و همسالان است.

روش‌های آموزش خلاقانه می‌توانند هر سه بُعد را درگیر کنند، زیرا فعالیت‌های معنادار، گروهی و مسئله‌محور معمولاً هم رفتار و هم شناخت و هم عاطفه را فعال می‌سازند.

بخش سوم: سازوکارهای اثرگذاری آموزش خلاقانه بر انگیزش و مشارکت

بند اول: حمایت از خودمختاری و انتخاب‌پذیری

یکی از تفاوت‌های مهم تدریس خلاقانه با تدریس سنتی، فراهم کردن فرصت انتخاب برای دانش‌آموز است. انتخاب موضوع پروژه، شیوه ارائه، نقش در گروه یا مسیر حل مسئله، به دانش‌آموز احساس مالکیت بر یادگیری می‌دهد. طبق نظریه خودتعیین‌گری، این احساس خودمختاری مستقیماً انگیزش درونی را افزایش می‌دهد. افزون بر آن، زمانی که دانش‌آموز تصمیم می‌گیرد و پیامد تصمیم خود را می‌بیند، مشارکت رفتاری و شناختی او نیز افزایش می‌یابد، زیرا فعالیت را متعلق به خود می‌داند نه امری تحمیلی.

بند دوم: تجربه شایستگی از طریق چالش مناسب و بازخورد

آموزش خلاقانه اگر به درستی طراحی شود، سطح چالش را متناسب با توان دانش‌آموز تنظیم می‌کند. تکلیف‌های بسیار ساده، ملال ایجاد می‌کنند و تکلیف‌های بسیار دشوار، اضطراب و کناره‌گیری. طراحی مرحله‌ای فعالیت‌ها، ارائه مثال‌های راهنما و بازخورد توصیفی، به دانش‌آموز کمک می‌کند موفقیت را تجربه کند و باور شایستگی او افزایش یابد. افزایش خودکارآمدی موجب می‌شود دانش‌آموز در مواجهه با دشواری‌ها عقب‌نشینی نکند و مشارکت شناختی او پایدار بماند.

بند سوم: معناداری محتوا و پیوند با زندگی واقعی

یکی از عوامل کاهش انگیزش، بی‌معنا شدن محتوا برای دانش‌آموز است. روش‌های خلاقانه معمولاً با مسئله‌های واقعی، موقعیت‌های زندگی‌محور و کاربردهای ملموس همراه‌اند. وقتی دانش‌آموز ارتباط مفاهیم با زندگی روزمره، آینده شغلی یا مسائل اجتماعی را درک کند، ارزش ادراک‌شده تکلیف افزایش می‌یابد و در چارچوب انتظار ارزش، انگیزش نیز تقویت می‌شود. برای نمونه، یادگیری ریاضی از طریق طراحی یک بودجه خانوار یا تحلیل داده‌های ساده کلاس، می‌تواند ارزش کاربردی را برجسته کند و مشارکت را بالا ببرد.

بند چهارم: تعامل اجتماعی، تعلق و امنیت روانی

کلاس خلاق معمولاً کلاس گفت‌وگو محور است. گفت‌وگو، کار گروهی و ارائه همتایان باعث می‌شود دانش‌آموز احساس کند دیده می‌شود و نقش دارد. این تجربه، نیاز به ارتباط را ارضا می‌کند و احساس تعلق به کلاس را افزایش می‌دهد. همچنین پذیرش خطا به عنوان فرصت یادگیری، امنیت روانی ایجاد می‌کند و دانش‌آموز کمتر از قضاوت شدن می‌ترسد. در چنین فضایی، مشارکت عاطفی و رفتاری افزایش می‌یابد و دانش‌آموز جرئت پرسیدن و آزمودن پیدا می‌کند.

بند پنجم: برانگیختن کنجکاوی و تفکر واگرا

کنجکاوی نیروی محرک یادگیری عمیق است. پرسش‌های باز، مسئله‌های چندپاسخی، سناریوهای داستانی و فعالیت‌های کاوشگری، ذهن دانش‌آموز را به تولید فرضیه و ایده دعوت می‌کند. این امر با انگیزش درونی همسو است، زیرا یادگیری به تجربه کشف تبدیل می‌شود. همچنین تفکر واگرا و امکان ارائه راه‌حل‌های متفاوت، مشارکت شناختی را افزایش می‌دهد و دانش‌آموز را از حفظ طوطی‌وار دور می‌کند.

بند ششم: نقش هیجان و تجربه‌های یادگیری لذت‌بخش

هیجان‌های مثبت مانند علاقه، شگفتی و لذت یادگیری، حافظه و توجه را تقویت می‌کنند و پیوند عاطفی با درس می‌سازند. آموزش خلاقانه با استفاده از روایت، بازی آموزشی، شبیه‌سازی، فعالیت عملی و استفاده هدفمند از فناوری، می‌تواند هیجان مثبت ایجاد کند. البته شرط مهم آن است که جذابیت در خدمت هدف یادگیری باشد، نه اینکه جایگزین آن شود. جذابیت سطحی بدون عمق شناختی ممکن است مشارکت کوتاه‌مدت ایجاد کند اما به یادگیری پایدار منجر نشود.

بخش چهارم: روش‌ها و راهبردهای آموزش خلاقانه در کلاس درس

بند اول: یادگیری مبتنی بر پروژه

یادگیری مبتنی بر پروژه زمانی مؤثر است که پروژه با یک پرسش راهنما آغاز شود، خروجی روشن داشته باشد و معیارهای ارزیابی شفاف ارائه شود. پروژه‌ها به دانش‌آموز فرصت می‌دهند برنامه‌ریزی کند، اطلاعات جمع‌آوری کند، تولید کند و ارائه دهد. این فرایند، مشارکت رفتاری و شناختی را افزایش می‌دهد و از طریق تجربه شایستگی و خودمختاری، انگیزش را تقویت می‌کند. نقش معلم در این روش، هدایت مرحله‌ای، ارائه بازخورد و مدیریت زمان است.

بند دوم: یادگیری مبتنی بر مسئله و کاوشگری هدایت‌شده

در این روش، معلم موقعیتی مسئله‌محور طراحی می‌کند و دانش‌آموز با راهنمایی تدریجی به حل مسئله می‌رسد. تفاوت مهم با رها کردن دانش‌آموز در ابهام، وجود هدایت است. پرسش‌های پلکانی، منابع کوتاه و هدفمند و بحث گروهی باعث می‌شود دانش‌آموز از مسیر یادگیری خارج نشود. این روش به ویژه برای تقویت تفکر انتقادی و مهارت حل مسئله مفید است و مشارکت شناختی را بالا می‌برد.

بند سوم: بازی‌وارسازی و بازی آموزشی

بازی‌وارسازی به معنای استفاده از عناصر بازی مانند هدف‌های کوچک، بازخورد فوری، پیشرفت مرحله‌ای و چالش است. اگر این عناصر با اهداف درس همسو باشند، می‌توانند توجه و مشارکت رفتاری را افزایش دهند. نکته مهم آن است که پاداش‌ها جایگزین انگیزش درونی نشوند. بهتر است عناصر بازی در خدمت تجربه شایستگی و پیشرفت شخصی قرار گیرند، نه رقابت مخرب یا صرف امتیازگیری.

بند چهارم: داستان‌گویی آموزشی و سناریو

داستان‌گویی می‌تواند یادگیری را معنا دار کند و هیجان مثبت ایجاد کند. طرح یک سناریو، نقش‌آفرینی یا روایت یک مسئله واقعی، دانش‌آموز را وارد موقعیت می‌کند و سبب می‌شود مفاهیم از حالت انتزاعی به تجربه نزدیک شوند. این روش برای دروس علوم انسانی و حتی علوم تجربی کاربرد دارد، به شرط آنکه پرسش‌های تحلیلی و فعالیت‌های پس از داستان طراحی شود.

بند پنجم: یادگیری مشارکتی ساخت‌یافته

کار گروهی زمانی انگیزش و مشارکت را افزایش می‌دهد که ساخت‌یافته باشد. تعیین نقش‌ها، معیارهای روشن، مسئولیت فردی در کنار مسئولیت گروهی و بازخورد همتایان، از تنبلی اجتماعی و نابرابری جلوگیری می‌کند. یادگیری مشارکتی با افزایش تعامل، احساس تعلق را تقویت می‌کند و به رشد مهارت‌های اجتماعی می‌انجامد.

بند ششم: استفاده خلاق از فناوری

فناوری زمانی مفید است که ابزار تولید و تعامل باشد نه صرف نمایش. تولید پادکست کوتاه، ساخت پوستر دیجیتال، ضبط توضیح یک مفهوم توسط دانش‌آموز، آزمون‌های تعاملی برای

بازخورد سریع و استفاده از شبیه‌سازهای علمی، می‌تواند مشارکت شناختی را افزایش دهد. با این حال، باید دسترسی، سواد دیجیتال و مدیریت زمان نیز در نظر گرفته شود تا فناوری به عامل حواس‌پرتی تبدیل نشود.

بخش پنجم: ملاحظات اجرایی و طراحی آموزشی

بند اول: اصول طراحی تدریس خلاقانه

تدریس خلاقانه نیازمند توازن میان آزادی و ساختار است. آزادی بدون ساختار می‌تواند به آشفتگی منجر شود و ساختار بدون آزادی انگیزش را کاهش می‌دهد. بنابراین طراحی باید اهداف یادگیری روشن، مسیر فعالیت مرحله‌ای و معیارهای ارزیابی شفاف داشته باشد، در عین اینکه به دانش‌آموز امکان انتخاب و ارائه راه‌حل‌های متنوع بدهد.

بند دوم: نقش ارزیابی تکوینی و بازخورد

ارزیابی در کلاس خلاق باید بیشتر تکوینی باشد. بازخورد توصیفی، معیارمحور و رشدگرا باعث می‌شود دانش‌آموز مسیر پیشرفت را ببیند. اگر ارزشیابی صرفاً نمره محور باشد، خطر افزایش جهت‌گیری عملکردی و کاهش انگیزش درونی وجود دارد. استفاده از خودارزیابی و همتایابی نیز می‌تواند مشارکت شناختی و مسئولیت‌پذیری را افزایش دهد.

بند سوم: مدیریت کلاس و عدالت آموزشی

کلاس خلاق فعال‌تر و پرتحرک‌تر است و به مدیریت دقیق نیاز دارد. قوانین ساده و روشن، زمان‌بندی مشخص، تقسیم کار و نظارت حمایتی، از بی‌نظمی جلوگیری می‌کند. همچنین باید به عدالت توجه شود تا همه دانش‌آموزان فرصت مشارکت داشته باشند. دانش‌آموزان کم‌رو یا دارای اضطراب اجتماعی ممکن است در بحث‌های عمومی کمتر مشارکت کنند،

بنابراین تنوع در شیوه مشارکت مانند مشارکت کتبی، کار دونفره یا ارائه کوچک گروهی ضروری است.

بحث و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی تحلیلی

بر اساس مبانی نظری و شواهد پژوهشی در روان‌شناسی تربیتی، آموزش خلاقانه از مسیرهای متعددی بر انگیزش و مشارکت اثر می‌گذارد. این روش‌ها با حمایت از خودمختاری، ایجاد تجربه شایستگی، افزایش معناداری محتوا و تقویت تعلق اجتماعی، انگیزش درونی و پایداری تلاش را افزایش می‌دهند. همچنین با فعال‌سازی کنجکاوی، تفکر واگرا و درگیری شناختی، مشارکت شناختی را بالا می‌برند و از طریق تعامل و هیجان مثبت، مشارکت عاطفی و رفتاری را تقویت می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش خلاقانه نه یک گزینه تزئینی، بلکه یک ضرورت برای یادگیری عمیق و پایدار است.

پیشنهادهای کاربردی

۱ـ معلمان در هر درس، دست‌کم یک فعالیت مسئله‌محور یا پروژه کوتاه در هر فصل طراحی کنند.

۲ـ برای حمایت از خودمختاری، در تکالیف گزینه‌های انتخابی ارائه شود، مانند انتخاب موضوع، قالب ارائه یا سطح دشواری.

۳ـ بازخورد توصیفی جایگزین تمرکز افراطی بر نمره شود و معیارهای موفقیت قبل از فعالیت توضیح داده شود.

۴ـ ساختار یادگیری مشارکتی با نقش‌های روشن و مسئولیت فردی تقویت شود تا همه فرصت مشارکت داشته باشند.

۵ـ مدیران مدرسه با فراهم کردن زمان هم‌اندیشی معلمان، بانک ایده‌های تدریس و کارگاه‌های توانمندسازی، اجرای پایدار این رویکرد را حمایت کنند.

محدودیت‌ها و مسیرهای پژوهشی آینده

این مقاله رویکرد مروری و تحلیلی دارد و داده تجربی مستقیم از یک نمونه آماری ارائه نمی‌کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با طرح‌های شبه‌آزمایشی یا ترکیبی، اثر روش‌های مشخص مانند پروژه‌محوری یا بازی‌وارسازی را بر انواع انگیزش و ابعاد مشارکت در مقاطع تحصیلی مختلف بررسی کنند. همچنین مطالعه نقش فرهنگ مدرسه، سبک رهبری مدیر و کیفیت رابطه معلم دانش‌آموز به عنوان متغیرهای میانجی یا تعدیل‌گر توصیه می‌شود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی. تهران، انتشارات دوران، چاپ‌های مختلف.
- شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی روش‌ها و فنون تدریس. تهران، سمت، چاپ‌های مختلف.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.
- شریعتمداری، علی. اصول و فلسفه آموزش و پرورش. تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ‌های مختلف.
- فدایی، ابراهیم. خلاقیت و نوآوری در آموزش. تهران، نشر رشد، چاپ‌های مختلف.
- کیامنش، عبدالحمید. مباحثی در انگیزش تحصیلی و پیشرفت. تهران، آثار مرتبط دانشگاهی، چاپ‌های مختلف.

ب) منابع انگلیسی

- *Amabile, T. M. Creativity in Context. Westview Press, ۱۹۹٦.*
- *Bandura, A. Self-efficacy The Exercise of Control. W. H. Freeman, ۱۹۹۷.*
- *Bruner, J. S. The Process of Education. Harvard University Press, ۱۹٦۰.*
- *Deci, E. L., Ryan, R. M. Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior. Plenum, ۱۹۸٥.*
- *Ryan, R. M., Deci, E. L. Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. American Psychologist, ۲۰۰۰.*
- *Eccles, J. S., Wigfield, A. Motivational beliefs, values, and goals. Annual Review of Psychology, ۲۰۰۲.*
- *Vygotsky, L. S. Mind in Society. Harvard University Press, ۱۹۷۸.*